



ارتباط با ما ۰۶۰۰۸۵۲۳۰

خرمشهر در گذر تاریخ و روایت مراحل اول عملیات آزادسازی آن در گفت‌وگوی «جوان» با یک پژوهشگر دفاع مقدس

صدام بعد از شکست در خرمشهر مقابل دوربین به فرماندهانش مدال داد!



علیرضا محمدی

عملیات‌الی بیت‌المقدس از روز دهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ آغاز شد و پس از یک ماه و سه روز منجر به آزادی خرمشهر شد. خرمشهر اما در طول تاریخ معاصر کشورمان، دستخوش حوادث بسیاری بود. شاید کمتر کسی بداند که این شهر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز سه‌بار توسط بیگانگان به اشغال درآمده است؛ در آستانه شروع عملیات‌الی بیت‌المقدس به عنوان یکی از پیروزمندترین عملیات دفاع مقدس در گفت‌وگو با سردار رضا میرزایی از محققان حوزه جنگ تحمیلی نگاهی به شرایط خرمشهر و همین‌طور مر محل اولیه عملیات فتح خرمشهر می‌اندازیم.

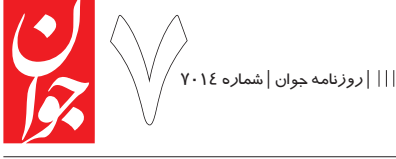
رودخانه کرخه تا هویزه شروع می‌شد. لشکر ۶ دشمن در این منطقه مستقر بود. بعد از آن هم لشکر ۵ یعنی‌ها از غرب اهواز تا روستای سیدعبود و لشکر ۱۱ پیساده از روستای سید عبود تا خرمشهر را پوشش می‌داد.

تیپ‌های ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹ و لشکر ۱۱، خاص دفاع از خرمشهر بودند و از آنجا محافظت می‌کردند. لشکر ۳ زرهی‌شان هم در شمال خرمشهر مستقر بود و تیپ ۱۰ را هم به عنوان احتیاط در شرق بصره مستقر کرده بودند تا اگر خشکی به عراق دارد، عموماً در تاجامین به آن دشمنان از همین راه وارد می‌شدند. سال ۵۹ عراقی‌ها از شلمچه آمدند و از طریق پل نو وارد خرمشهر شدند. جالب است که در عملیات‌الی بیت‌المقدس نیز نیروهای ما رفتند شهر را دور زدند و از شلمچه آمدند و دشمن را داخل شهر محاصره کردند. نهایتاً هزاران سرباز بعثی تسلیم شدند و خرمشهر آزاد شد.

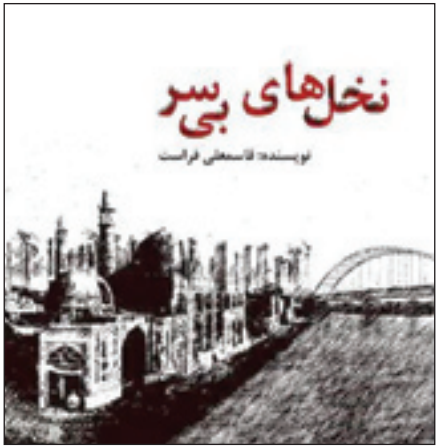
صدام روی حفظ خرمشهر خیلی ادعا داشت، گویی گفته بود که اگر ایرانی‌ها این شهر را آزاد کنند، کلید بصره را به آنها می‌دهم. مجموع نیروهای بعثی که از خرمشهر حفاظت می‌کردند، چند نفر بودند؟

خب این حرف صدام از نظر خودش چندان هم غیر معقول نبود؛ یعنی‌ها در مجموع پنج لشکر قدرتمند را برای حفاظت از این شهر به کار برده بودند. خودشان روی دیوارهای خرمشهر می‌نوشتند که «آمدیم تا بمانیم» لذا آرایش دفاعی‌شان را به نوعی ترتیب داده بودند که ماندگاری‌شان را تضمین کند. در خرمشهر و اطراف آن یک نوار امنیتی بسیار محکمی درست کرده بودند. آرایش نیروهای دشمن پیرامون خرمشهر از جنوب

جدول



خاطره



معرفی ۳ کتاب پیرامون خرمشهر در جنگ تحمیلی

از «نخل‌های بی‌سر» تا «پوتین‌های مریم»

علی صیادشیرازی از آزادی خرمشهر است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «بعد از عملیات فتح‌المبین، روحیه عالی بر رزمندگان اسلام حاکم بود. قوت و اطمینان برای ادامه نبرد داشتیم و پیروزی را حتمی می‌دانستیم. می‌توانم بگویم یکی از دلایلی که موجب شد بعد از عملیات فتح‌المبین، دست به یک اقدام جسورانه بزیم و منطقه‌ای را طراحی کنیم که حدود ۴ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت، دلیلش این بود که از هر نظر احساس قوت و قدرت می‌کردیم. البته تحلیلگران تاریخ جنگ و کسانی که می‌خواهند تحلیل دقیق داشته باشند، جالب است بدانند که چه دلایلی باعث شد یک‌دفعه توان رزمی ما افزایش پیدا کرد، در حالی که به امکانات رزمی ما افزوده نمی‌شد. حتی نیروی انسانی آن هم افزوده می‌شد، رقمی نبود که ما روی آن بخواهیم حساب کنیم و بگوییم توان رزمی‌مان بالا رفت.»

پوتین‌های مریم

کتاب «پوتین‌های مریم» نوشته فریبا طلایی‌پور، روایتگر خاطرات یک بانوی خرمشهری به نام مریم امجدی از دوران جنگ بوده است. پس از انقلاب حین تحصیل در دبیرستان به عضویت حزب جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی و بسیج مستضعفین خرمشهر درآمد و دوره‌های امادگاری و فنون نظامی را آموزش دید. امجدی با شروع حمله عراق به خرمشهر در مشاغل مختلف چون امداد رسانی در بیمارستان و نگهداری از انبار مهمات مسجدجامع خرمشهر خدمت کرده و نیز در این مدت گاهی به خط مقدم جبهه رفته‌است.

این کتاب مجموعه‌ای است از خاطرات مریم امجدی از دوران کودکی، فعالیت گروه خلق عرب در خرمشهر، فعالیت‌های او در بخش عمران جهادسازندگی و امدادرسانی به مردم روستاهای اطراف خرمشهر همچون روستای «عباره»، درگیری‌های سیاسی با مجاهدین خلق (منافقین) در دبیرستان، صحنه‌های دلخراشی از شهادت مردم خرمشهر، نفوذ منافقین در میان نیروهای سپاه، ملاقات با دکتر چمران، خاطراتی از آشنایی با یکی از نیروهای سپاه و ازدواج با وی، خاطراتی از مجروحان عملیات شکست حصر آبادان، فعالیت در بخش تعاون سپاه، شهادت محمد جهان‌آرا و یادبازد از خرمشهر پس از آزادی آن را شامل می‌شود.

در مورد خرمشهر و جایگاهش در دفاع مقدس، کتاب‌های متعددی منتشر شده است. جالب است بدانیم که اولین کتاب در این باره، سال ۶۱ با عنوان «نخل‌های بی‌سر» منتشر شد. معرفی سه کتاب پیرامون خرمشهر در جنگ تحمیلی را پیش رو دارید.

■ سنگ بنای ادبیات دفاع مقدس

«نخل‌های بی‌سر» نوشته قاسمعلی فراست در سال ۱۳۶۱ منتشر شد که از آن به عنوان سنگ بنای جریان ادبیات دفاع مقدس نام می‌برند. در کتاب نخل‌های بی‌سر، «ناصر» شخصیت اصلی داستان در کنار «حسین» به عنوان برادرش و «شهناز» خواهرش، باید مقابل دشمن اشغالگر بایستند. خانواده «ناصر» در تب‌وتاب ماندن یا رفتن سرگردانند؛ پدر و مادر او گمان نمی‌کنند که جنگ به راحتی بتواند خانه و زندگی‌شان را از آنها بگیرد. «ناصر»، «حسین» و «شهناز»، پدر و مادرشان را به رفتن وادار می‌کنند و خودشان می‌مانند تا از شهرشان دفاع کنند. در فاصله کوتاهی اولین فرد خانواده «شهناز» شهید می‌شود. شهادت شهناز، باعث می‌شود تا برادرانش در دفاع از شهرشان، راسخ‌تر شوند. خانواده ناصر به تهران مهاجرت می‌کنند. خود او هم چندین بار به تهران می‌آید، اما برای جبهه دل‌تنگی می‌کند و به آنجا بازمی‌گردد. با هجوم بعثی‌ها به شهر، «حسین» نیز شهید می‌شود و به خواهرش می‌پیوندد و سرانجام «ناصر» هم که از بیماری رنج می‌برد در روزهای نبرد برای آزادسازی خرمشهر به شهادت می‌رسد.

■ خاطرات صیاد از خونین‌شهر

کتاب «آزادی خرمشهر» نوشته احمد دهقان نیز خاطرات تلخ و شیرین شهیدسپهبد

بعثی‌ها در مجموع پنج لشکر قدرتمند را برای حفاظت از این شهر به کار برده بودند. خودشان روی دیوارهای خرمشهر می‌نوشتند که «آمدیم تا بمانیم» لذا آرایش دفاعی‌شان را به نوعی ترتیب داده بودند که ماندگاری‌شان را تضمین کند. در خرمشهر و اطراف آن یک نوار امنیتی بسیار محکمی درست کرده بودند

رودخانه کرخه تا هویزه شروع می‌شد. لشکر ۶ دشمن در این منطقه مستقر بود. بعد از آن هم لشکر ۵ یعنی‌ها از غرب اهواز تا روستای سیدعبود و لشکر ۱۱ پیساده از روستای سید عبود تا خرمشهر را پوشش می‌داد.

تیپ‌های ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹ و لشکر ۱۱، خاص دفاع از خرمشهر بودند و از آنجا محافظت می‌کردند. لشکر ۳ زرهی‌شان هم در شمال خرمشهر مستقر بود و تیپ ۱۰ را هم به عنوان احتیاط در شرق بصره مستقر کرده بودند تا اگر خشکی به عراق دارد، عموماً در تاجامین به آن دشمنان از همین راه وارد می‌شدند. سال ۵۹ عراقی‌ها از شلمچه آمدند و از طریق پل نو وارد خرمشهر شدند. جالب است که در عملیات‌الی بیت‌المقدس نیز نیروهای ما رفتند شهر را دور زدند و از شلمچه آمدند و دشمن را داخل شهر محاصره کردند. نهایتاً هزاران سرباز بعثی تسلیم شدند و خرمشهر آزاد شد.

روی جاده خودش را به خرمشهر می‌رساند. نظر شما چیست؟

آنها چون خودشان از نیروی زرهی به خوبی استفاده می‌کردند، تصور می‌کردند ایران

یک جایی خواندم که چون بعثی‌ها یکبار تنش کلاسیک داشتند، تفکرات‌شان هم بسر همین مبنا بود. یعنی فکر می‌کردند ایران از

نمای نزدیک

واکنش دیکتاتور عراق به شکست در خرمشهر

جالب است که صدام بعد از شکست در خرمشهر، همه فرماندهان را به بغداد فراخواند و جلوی دوربین به چند نفر از آنها مدال افتخار اهدا کرد؛ اقدس‌اش این بود جنگ تبلیغاتی راه بیندازد و بگوید که شکست در خرمشهر یک عقب‌نشینی تاکتیکی بوده است. اما آنطور که بعدها نویسندگانی مثل وفیق‌سام‌آری در کتاب‌های خود آوردند، صدام بعد از اینکه خبرنگارها را بیرون می‌کند، برسر فرماندهان نظامی‌اش فریاد می‌کشد و می‌گوید: «این مدال‌ها را که گرفتید حق تان بود؟ سرباهای شما باید در زیر چرخ‌های تانک له می‌شد که اینطور شما را نمی‌دیدم. محرمه برای من مهم بود؛ باید همه شما می‌مردید اما محرمه سقوط نمی‌کرد.» کمی بعد دادگاه نظامی حزب بعث به دستور صدام مجازات ۳۰۰ نفر از فرماندهان ارشد و جزء را صادر می‌کند که طی این حکم، ۶۱ نفر از جمله فرمانده سپاه سوم ارتش عراق سرلشکر ستادصلاح قاضی، فرمانده لشکر ۳ زرهی ستاد جواد اسعدشیتنه و سرهنگ ستادمحسن عبدالله فرمانده تیپ ۱۲ زرهی اعدام شدند. سپس تعدادی خلع درجه شده و تعدادی هم زندانی می‌شوند.



				۹	۸				
				۱	۵			۱	
				۶	۴			۳	
				۹	۵			۱	
				۸	۳			۷	
				۲	۴			۵	

جدول سودوکو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌درسه فقط یک‌بار

به کارروند.

جدول کلمات متقاطع

باسبخ جدول شماره ۷۰۱۳

۱	۷	۵	۱	۳	۱	۸			
۸	۸	۳	۱	۵	۷	۱	۳	۵	۸
۱	۱	۸	۸	۷	۱	۳	۵	۷	۱
۳	۱	۸	۷	۸	۵	۱	۳	۷	۱
۸	۵	۱	۱	۳	۷	۱	۳	۷	۱
۱	۸	۷	۵	۳	۱	۳	۷	۱	۱
۷	۳	۸	۱	۱	۵	۱	۳	۷	۱
۱	۱	۸	۷	۱	۳	۷	۱	۳	۷
۵	۱	۸	۷	۱	۳	۷	۱	۳	۷
۵	۱	۸	۷	۱	۳	۷	۱	۳	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

از راست به چپ

۱- عمل نابه‌جایی که باعث مقاومت میکروب‌ها در بدن می‌شود- مجموعه گنجنعلیخان یکی از معروف ترین آثار تاریخی این شهر است ■ ۲- اتحادیه جهانی مبارزه با دوپینگ- کلمه‌ای برای اطاله کلام- مظهر یکی از طبیعت تکرار حرفی- شکم بند طبی- کوتاهی و سهل‌انگاری در کار- سبزی ضدسرطان ■ ۴- زبون- غذای سنتی و متنوع ایرانی- شهر توربین‌های بادی کیلان ■ ۵- آماس- پایتخت تسخیرنشدهی اروپا- گندم سوخته شده- سنگ عساری ■ ۶- افزودن انگلیسی- از مواد رسمی دوچرخه سواری بیست- شکل و قالب ■ ۷- محصول زنجان- پدر بزرگ فدراسیون بین المللی فوتبال ■ ۸- یک و یک- شادی- راه روشن و آشکار- کوچک ■ ۹- بغل- انجیر- کله بز ■ ۱۰- ته‌چک- حرارت دادن و داغکردن- کنار ■ ۱۱- حرف فاصله- نیمسال تحصیلی- نوعی دیدار برای دولت مردان- اسلوه و روش ■ ۱۲- غشروف هلالی در مفصل زانو- هرگز عرب- بیماری بار کینسون ■ ۱۳- تروتمند- آهنگ و نغمه- پسوند شایهت- پایان روز ■ ۱۴- نشانی پستی- فلسفه ارسطو- سبز تیره ■ ۱۵- زدی و کلاهبرداری- مجلس انقلاب کبیر فرانسه

از بالا به پایین

۱- بسیار بیرحم و سنگدل - تصور و برداشت ذهن از یک موضوع ■ ۲- دستگاه شکل دهی فلزات - گمراه کردن- رود مرزی آلمان و لهستان ■ ۳- ورزش مادر- مخفف هستم- پیشرو قافله زائران- فانی و ناپایدار ■ ۴- مخترع دوربین عکاسی - یک بر روی یک- کنسرو ماهی- عضو بالانشین ■ ۵- بیخ آستین- پایتخت عمان- آرایش هنری ■ ۶- بنده و شما- هم‌روان فرهنگستان- سفیر امام حسین (ع) در کوفه در واقعه کربلا ■ ۷- سیاستگری - خانه شعری - کاخ تابستانی ■ ۸- سوره مردم - شهر و دریاچه‌ای در ترکیه - واحد شمارش شستر- درجه‌ای در رشته‌های رزمی ■ ۹- کبوتر صحرایی- ابرقدرت آسیایی- از آندوه‌ها شدن ■ ۱۰- معتمدان- شیطان- تو و میان چیزی ■ ۱۱- دکان تاجران- کوه فرود کشتی نوح- زندان ■ ۱۲- رفوزه- سلطه و نفوذ- یکی از خواهران نویسنده انگلیسی- شهری در فرانسه ■ ۱۳- صدراعظم پیشین آلمان- بدون تغییر- بچه می‌زند- تکرار حرف آخر ■ ۱۴- طایفه کوچ نشین - حجره اطراف حیاط مسجد- جانوران غیر اهلی ■ ۱۵- برابر فارسی واژه آندیکاتور- پایین تر از استوار